

حسین بشیریه

احیای علوم سیاسی

گفتاری در پیشه سیاستگری



فهرست مطالب

دیباجه ۱۱

گفتار نخست

تحول حکمت سیاسی در فرایند تاریخ

۱. مبانی حکمت سیاسی دیرین: افلاطون و ارسطو ۱۹
۲. تعبیر دینی حکمت سیاسی دیرین: فارابی و ابن سینا ۳۱
۳. واژگون‌سازی حکمت سیاسی دیرین: ماکیاولی و هابز ۳۸
۴. بازسازی نسبی حکمت سیاسی دیرین: لاک، روسو، و دیویی ۴۶
- جان لاک ۴۶
- ژان ژاک روسو ۴۹
- جان دیویی ۵۵

گفتار دوم

علم سیاست اثباتی

۱. جدایی علم سیاست از سیاست ۶۱
- کارل دوویچ ۶۸

- ۷۱ دیوید ایستون
- ۷۸ ۲. زوال علم سیاست اثباتی و دوران پراکندگی

گفتار سوم

به سوی احیای دانش سیاست

- ۸۹ ۱. زمینه‌های فکری احیاء
- ۹۶ هارولد لاسول
- ۹۷ یورگن هابرماس
- ۱۰۳ السدر مک‌اینتایر
- ۱۱۵ ۲. آموزه‌های دانش سیاست‌گری
- ۱۱۶ مسئله بهترین نظام سیاسی
- ۱۲۴ دولت رفاه گستر
- ۱۳۰ اقتصاد سیاسی و توسعه اقتصادی
- ۱۳۸ توسعه سیاسی
- ۱۴۶ پایان سخن
- ۱۴۹ کتاب‌شناسی
- ۱۵۳ نمایه

گفتار نخست

تحول حکمت سیاسی در فرایند تاریخ

در این گفتار توضیح می‌دهیم که دانش سیاست به‌عنوان حکمت عملی در اندیشه پیشینیان با دانش‌های نظری محض تفاوت بنیادینی داشت و به جای صرف توضیح امور و پدیده‌ها به غایات و اهداف زندگی انسان می‌اندیشید و از یک‌سو در پی شناخت بهترین وسایل و ابزارهای دستیابی به آن اهداف برمی‌آمد و از سوی دیگر شناخت موانع موجود بر سر راه تحصیل آن غایات را لازم می‌شمرد. در همین گفتار سیر تاریخی تحول حکمت سیاسی و اشکال گوناگون ظهور آن را نیز توضیح می‌دهیم.

مبانی حکمت سیاسی دیرین افلاطون و ارسطو

در این کتاب ما صرفاً با نقشه بسیار بزرگ دانش سیاسی سروکار داریم و در آن فقط قاره‌ها را می‌بینیم و با کشورها و شهرها و روستاها سروکاری نداریم. هدف ما ترسیم نقشه قاره‌های فکری بزرگی است که در جهان دانش سیاست پدید آمده‌اند. نخستین قاره ما حکمت سیاسی دیرین است که دیدگاه‌های اندیشمندان یونانی و رومی و ایرانی و اسلامی را درباره دلایل اهمیت و شأن نزول سیاست و دانش سیاسی در برمی‌گیرد. اندیشمندانی چون سقراط و افلاطون و ارسطو و فارابی و ابن‌سینا، با همه اختلاف نظرها و تفاوت‌ها، همگی در این قاره فکری زیست می‌کنند. همانندی آن‌ها هنگامی آشکار می‌شود که دیدگاهشان را با قاره‌های فکری دیگر بسنجیم. هدف ما در این گفتار صرفاً بازنمایی همانندی‌های آن‌هاست، تا نا همانندی‌هایشان با اهالی قاره‌های دیگر روشن شود.

اندیشه بنیادین در حکمت سیاسی دیرین این بود که سیاست